Archive of SID

صفحات ۲۴۵ – ۲۲۵

تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک تجاری و مقایسه آن با غرر با تاکید برقواعد عام درآمدزایی مخاطره[۱]

سید محمد صادق موسوی [۲]
روح اله رئیسی [۳]

چکیده

با پیشرفت تکنولوژی و نیازهای روز افزون جامعه، معاملات اقتصادی جدیدی در جوامع شکل گرفته که دربطن این معاملات،

ریسک ((Risk و خطر نهادینه شده است. ریسک که در لسان عرف ،عبارت است از: "خطر ناشی از عدم اطمینان نسبت به وقوع حادثه ای در آینده"،لازمه ی بیشتر فعالیت های تجاری ملی وبین المللی می باشد.

علاوه بر این ،از منظر اخلاقی، پیشرفت حیات بشر در ابعاد فردی ،اجتماعی ،اقتصادی و... در بستر هدایت رفتار و تصمیمات انسانی صورت می گیرد.بدیهی است که تحقق این امر نیز در شرایط متعین و معمول میسر است؛اما در شرایط ریسک آمیز که انسان، نسبت به نتایج فعل خود، اطمینان یا آگاهی ندارد، تصمیم گیری با رعایت هنجارهای اخلاقی، نسبتاً دشوار به نظر می رسد.

از این رو، پژوهش حاضر، ضمن تحلیل ریسک تجاری ومقایسه آن با غرر،به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که مبنای مشروعیت فقهی و روایی اخلاقی درآمدزایی ریسک چیست؟

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی نشان داده خواهد شد که اولاً غرر، ناشی از جهالت یا ریسکی است که به ارکان قرارداد برخورد می کند و نتیجه ی آن در معامله، افزایش ناعادلانه دارایی یکی به زیان دیگری است،اما ریسک در تجارت، ناظر بر آینده سرمایه بوده و هیچ گونه برخوردی با ارکان قرارداد ندارد.ضمن اینکه سود یا زیان حاصل از ریسک تجاری ناشی از تغییرات اقتصادی موثر در عرضه و تقاضا می باشد.ثانیاًمشروعیت درآمدزایی ریسک را می توان از تحلیل قواعد فقهی عام درآمد زایی مخاطره با محوریت قاعده"الخراج بالضمان" ، به عنوان رو بنا استخراج کرد.ثالثاً از منظر اخلاقی ریسکی روا است که آگاهانه، عادلانه و مبتنی بر مصالح فردی و اجتماعی باشد.

واژگان کلیدی

ریسک،غرر،ضمان، روایی اخلاقی،عدالت.

---

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله ی دکترای روح اله رئیسی با عنوان "ماهیت معاملات غرری با تاکید بر سفته بازی از دیدگاه فقه تطبیقی"است.

۲. دانشیار دانشگاه شهید مطهری(نویسنده مسئول). Email: info@motahari.ac.ir
۳. دانشجوی دکترای فقه وحقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی. Email: std_reis.rooh2@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

www.SID.ir

Archive of SID

طرح مسأله

امروزه بنیاد معاملات متداول در جوامع مختلف بر پایه ی "ریسک"بنا نهاده شده و اساساً مبادرت به فعالیت های مالی مهم و سرمایه گذاری های کلان، بدون وجود ریسک،تقریباً امری محال و غیر قابل اجتناب است.در اصطلاح عرفی،ریسک معادل با "خطر ناشی از عدم اطمینان نسبت به وقوع حادثه ای در آینده"(راعی وسعیدی،۱۳۸۳: ۴۶)،بوده و تحمل ریسک،لازمه ی استحقاق سود در بیشتر فعالیت های تجاری است؛[۱] از سوی دیگر،پیامد ریسک متهورانه و غرری ،کاهش رشد اقتصادی وکمبود یا فقدان انگیزه ها جهت مشارکت افراد در زمینه های متنوع سرمایه گذاری خواهد بود.لذا تبیین ریسک متعارف و تمییز آن از ریسک نامعقول با استفاده از آموزه های فقهی و اخلاقی،امری ضروری است.

علاوه بر این، ریسک در مفهوم عرفی و عام آن، بخش عمده ای از حیات فردی ، اجتماعی،اقتصادی،سیاسی و ... بشر را تشکیل داده و تصمیمات انسان ها در ابعاد یاد شده،در غالب موارد متاثر از ریسک است.از طرفی ،انسان توانایی کسب اطلاعات کامل و احراز اطمینان نسبت به شرایط و اوصاف محیط پیرامونی خویش رانداشته و از این رو،گاه ناگزیر از تصمیم گیری در موقعیت عدم اطمینان و شرایط ریسک آمیز است.حال پرسش این است،که آیا این نوع تصمیمات در شرایط توصیف شده، که در برخی موارد، اتخاذ آن ها نیز ضرورت دارد، توجیه اخلاقی ، فقهی و عقلایی دارد یا خیر؟ توضیح اینکه عقلانیت ریسک به معنای عقلایی بودن رفتار در شرایطی است که پیامد آن معلوم نباشد؛به گونه ای که احتمال خطر یا ضرر بعید نباشد.

در پاسخ به پرسش مذکور باید بدانیم که قضاوت در خصوص مشروعیت یا ممنوعیت تصمیم در حالت ریسک، بدون فهم دقیق ماهیت ریسک و تحلیل آن، به سادگی امکان پذیر نیست؛ از این رو پیش از هر گونه داوری، تبیین ماهیت و معرفی جنبه های مختلف آن ضروری به نظر می رسد.شاید به همین دلیل بوده که برخی محققین، رویکردهای متفاوتی نسبت به مشروعیت ریسک و درآمد حاصل از آن، در آثار تحقیقاتی خود برگزیده اند.به عنوان نمونه، شهید صدر، در خصوص درآمد زایی ریسک، دو موضع متفاوت و متضاد را اتخاذ کرده است: در بخشی از کتاب" اقتصادنا" با طرح این ادعا که پذیرنده ریسک،مستحق درآمدی در ازای تحمل ریسک نیست،چنین استدلال نموده است: ریسک و مخاطره از نهادهای تولید محسوب نمی شوند؛ پس درآمدی هم از بابت تحمل ریسک،نباید به ریسک کننده، تعلق گیرد.(صدر، ۱۴۱۷ ق:۶۰۱) اما

---

۱. مصادیق بسیاری از عقود ریسکی همچون بیمه ،قرارداد آتی،قرارداد های پیش فروش،قراردادهای با عوض شناور و....که حجم عمده ای از معاملات تجاری و تجارت بین الملل را به خود اختصاص داده اند،مبتنی بر ریسک ذاتی می باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

در بخش دیگری از همان کتاب، شرط اصلی صحت عقد مضاربه و عدم تبدیل آن بـه قـرض را وجود عنصر ریسک برای مضارب و عدم ضمانت سرمایه توسط عامل، می داند. (همان:۵۷۴)

برخی دیگر از محققین با خلط میان مفاهیم ریسک منهی (غرر) و ریسک تجـاری، احکـام ممنوعیت غرر را به ریسک تجاری تسری داده اند: الجمال (۲۰۰۱)م در تحقیـق خـود، معـاملات غرری را دقیقاً معادل با معاملات مبتنی بر شرایط ریسک و نااطمینانی تفسیر نمـوده اسـت.(Al-Gamal,2000). الساعتی(۲۰۰۳)، نیز با خلط میان مفاهیم غررمنهی و ریسـک مشـروع، غـرر منهی را با قمار و رهان قیاس نموده و نهایتاً وقوع نزاع در معاملات مزبور را عامل بطلان آن هـا دانسته است.(Al-Saati,2003)

لذا در این مقاله ضمن تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک تجاری و مقایسه این نوع ریسک بـا غرر، برآنیم تا رابطه ریسک و درآمد را با استفاده از قواعد عام درآمـدزایی مخـاطره،تبیین کنـیم. همچنین ،روش تحقیق، توصیفی،تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعـات، نیـز از منـابع کتابخانـه ای است.

۱. مفهوم ریسک تجاری

واژه شناسان گاه به جنبه ی مثبت "ریسک" و مخاطره توجه داشـته انـد:"افـزایش ارزش، منزلت و دارایی(فراهیدی،۱۴۰۵ ق:۲۱۳/۴)گاه نیز جنبه منفی آن را در نظر داشته اند:"اشـراف و نزدیک شدن بر نابودی"(ابن منظور،۱۴۱۶ ق،ج ۴،ص ۱۳۸).گاهی نیـز معنـای اعـم از مثبـت و منفی را مورد توجه قرار داده اند:"خودش را به خطـر انـداخت" :یعنـی خـود را در معـرض خطـر نابودی یا وصول به دارایی قرار داد." در واژه نامه ی آکسفورد، ریسک به معنای "امکـان وقـوع حادثه ای زیان بار در آینده" ترجمه شده است.(Hornboy&Wehmeier,2005:1313)

اما در اصطلاح فقهی، ریسک تجاری آن است که تاجر به قصد تحصیل سود و بـا توکـل بر خداوند متعال اقدام به تجارتی نماید کـه نتیجـه ی آن سـود(ربح)یا زیان(خسـارت) باشـد.(ابن قیم،۱۴۰۸ق: ۵/ ۸۱۶؛ القرطبی، ۱۹۹۵م : ۵/ ۱۵۱)

چنان که ملاحظه می شود این نوع ریسک،لازمه ی شغل تاجران بوده و زیان احتمـالی در آن نیز کاملاً طبیعی است و لذا به لحاظ مفهومی هیچ گونه تداخلی با غرر منهی ندارد؛زیرا منظور از غرر، "قدر متیقن آن خطری است که عقلا بر آن اقدام نمی کنند؛نـه مطلـق خطـر. "(نجفـی، ۱۹۸۱، م: ۲۲/ ۳۸۸؛ کاتوزیـــان،۱۳۷۱: ۱۴۶). پـــس ایـــن میـــزان از ریســـک در معـــاملات، معقول،ضروری و تسهیل کننده تعاملات تجاری مردم است ؛چرا که ایجـاد محـدودیت در حـوزه قراردادها تا زمانی که مغایرتی با نظم عمومی نداشته باشد، روا نیست.

از سوی دیگر،فقیهـان اسـلامی ، اسـباب اسـتحقاق سـود را منحصـر در مـال یـا کـار یـا ضمان(ریسک)، دانسته اند و بر این اساس، به تبیین اثرمخاطره در استحقاق سود و ارتبـاط بـین

www.SID.ir

Archive of SID

سود و مخاطره پرداخته اند.چنان که مشروعیت سود حاصل از ریسک تجاری ، استحقاق جعل برای اجیر در عقد جعاله و نیز سود حاصل از مخاطرات موجود در عقود مضاربه،مساقات و مزارعه را بر اساس درآمد زا بودن ریسک تحلیل نموده اند. [۱] (البعلی، ۱۹۸۶م :۵۳۳/۱-۵۳۲؛ الکاسانی، ۱۹۸۲م: ۶۲/۶؛ صدر، ۱۴۱۷ق: ۵۷۴)

بنابر این، در فقه اسلامی، واژه ریسک در دو معنای غرر(ریسک منهی)و ریسک مباح به کار رفته است :مقصود از ریسک در این تحقیق،همان ریسک مباح بوده که به معنای تحمل نتایج سود یا زیان و یا پذیرش نتایج عملی تجاری،و ناظر بر تقابل و تلازم بین مغارم (خسارات) و مغانم(در آمدها) است که تفصیل این معانی را در آینده بیان خواهیم نمود.

۲. روایی اخلاقی ریسک

در آموزه های اخلاقی اسلام در هنگام تصمیم گیری در فضای عدم اطمینان،توصیه به توکل شده است.بدین معنا که هرگاه فرد مسلمانی در امور زندگی خویش نظیر فعالیت های تجاری ، در موضع عدم اطمینان قرار گیرد،بایستی با واگذاری نتیجه به اراده ی خداوند متعال، وظیفه ی معمول و متعارف خود را انجام دهد.اوامر شرعی دال بر تفویض امور به خداوند قادر که حجم قابل توجهی از نصوص معتبر دینی را به خود اختصاص داده است،دلالت غیر مستقیم بر روایی اخلاقی ریسک یا همان پذیرش وضعیت عدم اطمینان در تصمیم گیری دارند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه ریسک به طور اعم و خصوصاً ریسک تجاری، ابتنای بر محاسبه گری ضابطه مند و پیش بینی های معقول دارد،طبیعتاً روایی اخلاقی ریسک، تابع عقلانی بودن آن است. پس عقلانیت ریسک به مفهوم عقلایی بودن رفتار در شرایطی است که پیامد آن معلوم نباشد؛به گونه ای که احتمال خطر یا ضرر بعید نباشد. از اینجا روشن می گردد که عقلانیت ریسک -که ناظر بر دوجنبه ی نظری و عملی می باشد- از اختصاصات

---

۱. استحقاق سود در عقد مضاربه، مبتنی بر ریسکی است که طرفین عقد،تحمل می کنند؛از این رو علی رغم اینکه خطر نابودی سرمایه ی سرمایه گذار و نیز ریسک هدر رفتن تلاش عامل وجود دارد،ولیکن در اباحه ی عقد مزبور در میان فقیهان اسلام، اتفاق نظر وجود دارد.

همچنین در ابتنای عقد مساقات بر ریسک نیز تردیدی وجود ندارد ؛چرا که در آن اجرت برای عامل، مقطوع و متیقن نیست؛ بلکه عامل، مستحق نسبتی از نتایج است و این امر برای آن است که وی، عملی ریسک آمیز را انجام دهد و مشروعیت آن، محل اتفاق عموم فقیهان خاصه و عامه است تا آنجا که ابن رشد گفته است:« قول در جواز مساقات، مورد اتفاق جمهور علماء از جمله مالک، شافعی ، ثوری، ابویوسف و ..... است. (ابن رشد، ۱۹۵۲ م:۳۷۳/۲) عقد جعاله نیز که جمهور فقهای امامیه، مالکی، شافعی و حنبلی آن را مباح دانسته اند،همین حکم را دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

تصمیمات(عقل نظری) و رفتارهای انسانی(عقل عملی) محسوب می شود.

مطابق دیدگاه فلاسفه اخلاق، شرایط مهم عقلانیت اخلاقی عبارت اند از: «آگاهی» و «سازواری» (گنسلر،۱۳۹۰: ۲۲۶) که می توان شروط مزبور را به عقلانیت ریسک نیز تعمیم داد.توضیح اینکه آگاهی، مولفه ی ناظر بر عقلانیت نظری بوده و حال آنکه «سازواری» عنصری است که به عقل نظری و عملی مرتبط است. سازگاری اندیشه (عقل نظری) و عمل (عقل عملی) به معنای عدم تناقض بین رفتار و اندیشه ی انسان و سازگاری در عمل نیز به مفهوم عدم صدور رفتارهای متناقض از سوی انسان است. آن گونه که برخی علمای اخلاق گفته اند، مفهوم اخیر در «رفتار منصفانه و عادلانه» متجلی می گردد.(حسن زاده، ۱۳۸۰: ۶۴ – ۷۷).

بنابراین آگاهی، پشتوانه عقلانیت نظری و انصاف و عدالت نیز تضمین کننده عقلانیت اخلاقی است. ناگفته پیدا است که عقلانیت عقل عملی، بر عقلانیت نظری ترجیح دارد؛ چرا که عدالت و انصاف در زمره ی گرایش های عالی به شمار می رود.موید ادعای ما، تاکید شهید مطهری بر اهمیت گرایش های عالی انسانی در کتاب "انسان وایمان" بوده که ایشان ضمن بر شمردن گرایش های یاد شده به عنوان لوازم رفتار اخلاقی انسانی،تصریح نموده است:

"...انسان را عقل و علم و آگاهی او و تدبیر او تشکیل می دهد،اما شرط کافی نیست.فعالیت انسانی، آنگاه انسانی است که علاوه بر عقلانی و آزادی بودن، در جهت گرایش های عالی انسانیت باشد و لااقل با گرایش های عالی در تضاد نباشد...در اصطلاحات دینی اسلامی، نیروی تدبیر آنجا که از گرایش های انسانی و ایمانی جدا می شود و در خدمت اهداف مادی و حیوانی قرار می گیرد، "نکری" و "شیطنت" نامیده شده است."(۱۳۸۴ :۲/ ۵۷)

۳. سود گرایی اخلاقی ریسک

سود گرایی در قالب یک نظریه ی اخلاقی، نخستین بار توسط یک حقوق دان و فیلسوف مشهور انگلیسی به نام "بنتام" مطرح شد.بنتام بر این باور بود که بازگشت تمام اصول و احکام اخلاقی به اصل سود است:"ما باید هر عملی را به اعتبار افزایش یا کاهشی که در سود ایجاد می کند،ارزش یابی کنیم."(Bentham,2000,p:14)

مطابق نظریه ی مذکور،اصل سود، مبنای تشخیص حسن و قبح و بایسته های اخلاقی است[۱].بدین معنا که ارزش اخلاقی عمل، بر اساس پیامدهای حاصل از آن تعیین می شود.پس اگر عملی بیشترین سود را به دنبال داشته باشد،درست و بایسته است و در فرضی که عملی سودی را به دنبال نداشته باشد و یا حداقل ما هیچ گونه اطلاعی از پیامدهای یک عمل را

۱. اساس سود گرایی بنتام بر بنیان امکان ارتباط منطقی بین باید و هست استوار شده است.هر چند که این مبنا از سوی بسیاری از فلاسفه اخلاق قرن بیستم با انتقادات فراوانی مواجه شده است.(جوادی،۱۳۷۵:۴۸)

www.SID.ir

Archive of SID

نداشته باشیم، چنین اعمالی فاقد جنبه های منفی یا مثبت اخلاقی خواهد بود.(فرانکنا،۱۳۷۵،:۹۰-۹۵)

اما نظریه ی سود گرایی با انتقادات فراوانی به خصوص از سوی طرفداران اخلاق فضیلت محور، مواجه شده است. ایشان ضمن اهتمام به تکامل روحی و معنوی عامل اخلاقی، شان اخلاق را منحصر در حل مسائل و معضلات اخلاقی دانسته اند.(پینکافس،۲۴۹:۱۳۸۲) با این وجود، به نظر می رسد توجیه اخلاقی ریسک بر مبنای نظریه ی یاد شده شده توجیهی شایسته است.زیرا سود گرایی اخلاقی که ترکیبی از دور اندیشی و عقلانیت بوده ،راهنمای مناسبی جهت هدایت انسان ها در گزینش رفتاری است که نهایتاً به نفع فرد و جامعه می باشد. بدین ترتیب، نظریه سود گرایی، را می توان به عنوان روشی برای تصمیم مشروع در شرایط ریسک به کار برد.بدین معنا که مبنای تصمیم گیری در شرایط ریسک ،تخمین منافع حداکثری و هزینه ی حداقلی است که بر تصمیم مترتب می شود.(Asveld and Roeser,2009,p:62) به عبارت دیگر،با استفاده از نظریه ی مزبور می توان گفت، نتایج و سود حداکثری که بر فعل بار می شود، در درستی و نادرستی افعال، نقش اساسی دارند.بدین معنا که سودمندی ارزش است و بالتبع اگر فعلی واجد حداکثر سود باشد، مطلوب و پسندیده خواهد بود.

از سوی دیگر،سابقاً اشاره شد که ریسک، عنصر ذاتی تمام فعالیت های تجاری است و امروزه حجم قابل توجهی از معاملات بر بنیان ریسک منعقد می گردند.از این رو می توان گفت، ریسک، آمیخته با منافع انسان است و این امر در آرای علمای معاصر اسلامی نیز به وضوح انعکاس یافته است. به باور علامه طباطبایی، زندگی اجتماعی انسان مبتنی بر داد و ستد منافع(مصالح) است .ایشان با استناد به آیه شریفه "لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض " معتقد است که اگر داد و ستد مزبور نبود، زوال زمین، قطعی بود.همچنین بقای اجتماع را متکی بر داد وستد متقابل منافع دانسته اند و تبادل مصالح و منافع را که منجر به تحقق اجتماع مدنی می گردد،ناشی از غریزه استخدام – که خداوندمتعال آن را جبلی و فطری انسان کرده است–می دانند. (۴۶۳:۱۳۷۴)

پس می توان گفت ریسک نمودن و تحمل ریسک،علاوه بر عقلایی بودن، مبتنی برابعاد فطری انسان نیز می باشند. به عبارت دیگر،از آنجا که انسان تصمیمات و رفتار هایش عقلایی است، در فعالیت های تجاری خود به دنبال تحصیل "حداکثر سود مورد انتظار" است. (Timmons,2007,p:157) و این امر خود ،ناشی از فطری بودن گرایش انسان به جلب منافع حداکثری و دفع ضرر از خود،می باشد. با این وجود، ممکن است انسان در برخی شرایط ریسک آمیز، نیز نه تنها به سود حداکثر دست نیابد؛بلکه متضرر هم شود که این موضوع در روابط و دادوستدهای متقابل اجتماعی، امری بدیهی است.

www.SID.ir

Archive of SID

٤. تبیین مفهوم غرر

در کتاب های معتبر لغت ، واژه غرر در مفهوم "خطر"(ابن منظور،۱۴۰۵ق، ۵ /۱۳-۱۴؛ ابن اثیر،۱۳۶۴ق،۳ /۳۵۵؛مغربی،۱۴۲۵ق:۴۴۵)"در معرض نابودی قرار دادن (طریحی،۱۳۸۶ق:۴۲۳؛الشرتونی،۱۴۰۳ :۸۶۷) و نیز " خدعه"، و "جهل" به کار رفته است.(فراهیدی،۱۴۰۵ق: ۳۴۶/۴) در برخی از این کتاب ها نیز، در باب معنای واژه مزبور،به نقل از حضرت امیرالمومنین (ع) روایتی ذکر شده که ایشان درتبیین مفهوم غرر فرموده اند: "غرر عملی است که شخص با مبادرت ورزیدن به آن، از زیان در امان نباشد."(ابن منظور،۱۴۰۵ق:۱۴/۵)

امااکثریت فقیهان امامیه، غرر را معادل با هر نوع ابهام، جهل یا عدم اطمینانی در ارکان یک قرارداد می دانند که زمینه ساز ایجاد خطر برای طرفین معامله گردد. شیخ انصاری، با استنتاج از گفتار اهل لغت،معتقد است که لغت دانان در تبیین مفهوم غرر ،علاوه بر خطر، عنصر مجهول بودن را نیز از نظر،دور نداشته اند.(انصاری، ۱۴۲۵ق:۴/ ۱۷۸)

صاحب جواهر بعد از تفسیر غرر به خطر ، در تبیین مفهوم آن گفته،خطر باید ناشی از جهل نسبت به اوصاف کیفی و کمی مبیع باشد .از این رو ،وی، مطلق خطری که مشتمل بر مواردی همچون قدرت بر تسلیم مبیع و... را باشد ،موثر در پیدایش غرر نمی داند.(نجفی،۱۹۸۱م: ۲۲/ ۳۸۸) پس از نظر ایشان، جهل منتهی به خطر،با قید مزبور، ملاک تحقق معامله غرری است.

مراغی نیز، به طور کلی ،هر معامله ای را که مبتنی برخطر باشد، داخل در معامله غرری آورده است. (مراغی،۱۴۱۸ق،ج۲،ص۳۱۴) البته ایشان، با تکیه بر مرجعیت عرف در تشخیص خطر،هر نوع ضرر محتمل را مصداق خطر نمی دانند و بر این نکته تصریح داشته اند که خطر،احتمال وقوع ضرری است که در نزد عرف قابل اعتنا باشد.

امام خمینی، نیز، هر چند ابتدائاً معنای غرر را «خدعه» می داند؛ ولی با توجه به اجماع فقیهان بر مفهوم خطر، با عدول از نظریه ی نخستین خود، به دیدگاه اجماعی یاد شده،تمایل پیدا کرده است. (امام خمینی،۱۳۸۸/۳:۲۹۸-۲۹۵)

محقق خویی با بیان اینکه مشهور فریقین در خصوص غرر، معنای خطر را ملحوظ داشته اند،بر این باور است که منشا این خطر، خواه جهل نسبت به قدرت بر تسلیم باشد ؛خواه جهل نسبت به اوصاف کمی یا کیفی مورد معامله،تفاوتی ندارد و در هر حال، این امر ،فساد معامله را درپی خواهد داشت. (خویی،۱۴۱۲: ۵/ ۲۵۷ و ۲۶۱) در واقع،ایشان نیز جهل منتهی به خطر را به عنوان معیار برجسته ی معاملات غرری معرفی می نماید.

بررسی آرای فقیهان امامیه و نیز نحوه ی استدلال ایشان،در مجموع حکایت از آن دارد که اولاً جهل یا عدم اطمینان به تنهایی مستلزم غرر نیست و ملازمه ی جهل(عدم اطمینان) با خطر

www.SID.ir

Archive of SID

در ارکان قرارداد است که منتهی به غرر می شود.ثانیاً ،خطر باید عرفاً قابل توجه باشد؛ بـه گونـه ای که عقلا از آن احتراز نمایند و از این رو مطلق خطر در تحقق عنوان غرر، کفایت نمی کند.

ظاهراً در آثار حقوقی نیز، بدون ارائه ی تعریف مشخصی از واژه غرر، صـرفاً بـه مصـادیق معاملات غرری اشاره شده است:برخی حقوق دانان ،غرر را احتمال حصول ضرر ناشی از جهل به مورد معامله دانسته اند(جعفری لنگرودی،۱۳۸۲: ۴۴۹)گروهی دیگر نیز، در مـواردی کـه جهالـت نسبت به مورد معامله از حیث معلوم بودن،معین بودن یا قدرت بر تسلیم باشد، معاملـه را غـرری دانسته اند. (کاتوزیان،۱۳۷۱: ۱۹۰)

به نظر می رسد نظریه ی مزبور خالی از ایراد نیست ؛چون بر اساس آرای فقیهان، انحصـار منبع غرر به جهل در مورد معامله ،صحیح به نظر نمی رسـد.از طرفی،امـروزه معـاملات جدیـدی شکل گرفته که در برخی موارد، معلوم کردن عوضین بـه طـور قطعـی و در هنگـام انعقـاد عقـد ،موجب غرر است.مثلاً در قرارداد پیش فروش خودرو ،طرفین برای دفع هر گونه ضـرر محتمـل، تعیین قیمت خودرو را قیمت روز تحویل، تعیین می کنند.

۵. مقایسه ریسک تجاری با ریسک به مفهوم غرر

در مقام تمییز بین ریسک تجاری با ریسک منهی به معنای غرر ،باید گفـت در غـرر ،سـود یک طرف معادل زیان طرف دیگر است؛ چرا که ثمن یا مثمن مجهول، مردد بین وجـود و عـدم است و معامله در این فرض، همواره بین احتمالات صفر و صد، مردد است.بی تردید، این درجه از خطر، مفسد عقد بوده و غرری شدن در ارکان عقد را به دنبال خواهـد داشـت. تفکیـک مزبـوراز مفهوم ریسک، در برخی از نوشته های فقهی معاصر نیز آورده شده است.مثلاً ابن قـیم بـا جمـع میان دو معنای ایجابی(مباح) و سلبی (حرام) ریسک،بر این باور است که: "مخاطره، مشـتمل بـر دو نوع است:اول ،ریسک تجار که عبارت است از خرید کالابه قصد فـروش و تحصـیل سـود بـا توکل بر خداوندمتعال،دوم ، ریسک غرری نیز آن است که متضمن اکل مال به باطل باشد.روشن است که ریسک در این مفهوم، در شرع از آن نهی شده است.."(ابن قیم، ۱۹۵۰م:۸۱۶/۵)

از سوی دیگر، مصادیق بارز معاملات غرری یا مبتنی بر ریسک منهی کـه در کتـاب هـای فقهی معتبر به کار رفته، عبارت است از: بیع «جنین در شکم»، « پرنده در هوا»، « شتر فراری»، «برده فراری» و... (المراغی،۱۴۱۸ق: ۳۱۱/۲) لذا با تامل در مفهوم و مصادیق غرر ، روشن مـی شود که استعمال ریسک در معنای غرر ،در جایی است که یکی از عوضین در امنیـت و سـلامت باشد و عوض دیگر مردد در سلامت و تباهی. از مهم ترین تبعات این نوع ریسک، علاوه بر نزاع بین متعاملین،اختلال در عدالت معاوضی و عدم تعادل بین ثمن و مثمن اسـت؛ چـرا کـه ممکـن است یکی از طرفین معامله در مقابل از دست رفتن تمام دارایی دیگری، به مالی برسد. مـثلاً در بیع « ماهی در آب» و «پرنده در هوا»، مشتری ممکن است، به ماهی یا پرنده حصـول یابـد یـا

www.SID.ir

Archive of SID

نیابد، پس در صورت عدم حصول مشتری، آنچه را کـه بـایع در ازای مبیـع مزبـور، اخـذ نمـوده، مصداق « اکل مال بالباطل» خواهد بود.

اما معاملات مبتنی بر ریسک تجاری، با توجه به تغییرات اقتصادی، از حیث سود یا زیان به یکی از نتایج ذیل منجر می شوند: برد- برد، برد- باخت، باخت- باخت، در تمام حالات یاد شده، سود یا زیان طرفین معامله ناشی از تغییرات اقتصادی موثر در عرضه و تقاضا می باشد؛به عبـارت دیگر، ریسک تجاری ، متاثر از مخاطرات اقتصادی شکل می گیرد و کسی که این مخـاطرات را تحمل می کند، استحقاق سود را خواهد داشت. زیان احتمالی نیز لازمه ی ذاتی معاملات مبتنی بر ریسک تجاری بوده و ربطی به غرری بودن قرارداد ندارد.بنابر این ریسک در فعالیـت تجـاری ،به طور ضمنی،ناظر بر نوعی عدم اطمینان نسبت به نتـایج حاصـل از معـاملات، بـوده و وقـوع ضرر،یکی از آثار نامطلوب و محتمل آن است ؛حال آنکه نتیجه ی قطعـی غرر،همـواره نـامطلوب بوده و به افزایش ناعادلانه ی دارایی یکی به زیان دیگری منجر خواهد شد.

در واقع ،عدم اطمینان، رکن مشترک در غرر و ریسک تجاری است،منتهی عدم اطمینان در ریسک تجاری ناظر بر سود و زیان احتمالی بوده ،ولی عدم اطمینان در غرر، ناشی از ابهام نسبت به اصل وجود عوضین،عدم قدرت بر تسلیم و تسلم عوضین،عدم اطلاع از ارزش عوضین یا عـدم اطلاع از خصوصیات و شرایط معامله می باشـد.البته در مـواردی کـه عـدم اطمینـان در ریسـک تجاری، ناشی از عدم شفافیت اطلاعات موجود در ارکان قرارداد باشد،وقوع غرر قطعی است و لذا عدم اطمینان جز در مواردی خاص و استثنایی،برخوردی با ارکان قرارداد نخواهد داشت.

٦. قواعد عام درآمد زایی ریسک

در این قسمت برآنیم تا با جمع آوری قواعد عام درآمد زایی مخاطره ، تبعیت سود از ریسک را بر مبنای قواعد مزبور تحلیل کنیم.بر این اساس، در راستای شناخت ریسک و موضع شـرع در قبال درآمد حاصل از آن،بررسی اهم قواعد ناظر بر ریسک ضروری به نظر می رسد.

٦-١. قاعده الخراج بالضمان

اصل این قاعده ی مشهور، برگرفته از حدیث نبوی شـریفی اسـت کـه در مـوارد متعـددی مبنای استدلال فقیهان و صدور آرای ایشان در حوزه معاملات بوده اسـت (طوسـی، ۱۳۷۸ق: ۲/ ۱۲۵-۱۲۶؛ ۲۵۵؛ شـهید اول، ۱۴۱۷ق: ۳/ ۲۸۷ ؛ شـهید ثـانی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۶؛ ۵۱۷) حـدیث متضمن قاعده ی مذکور که هم در کتاب های احادیث عامه و هم خاصه ذکرشده است، به شرح ذیل است:

"عن رسول الله (ص)ان رجلاً ابتاع غلاماً فاقام عنده ان شاء الله ان یقیم ثم وجد بـه عیبـاً فخاصمه الی النبی (ص) و رد علیه فقال الرجل :یا رسول الله قد استغل غلامی فقـال(ص):الخراج بالضمان." (ابن ماجه، بی تا: ۲/ ۷۵۴؛ حاکم نیشـابوری، ۱۴۱۱ق:۲ / ۱۸؛ نـوری طبرسـی،۱۴۰۸

www.SID.ir

Archive of SID

ق: ۱۳/ ۳۰۲)

عایشه به نقل از رسول اکرم(ص) گفته است:شخصی مدتی بعد از خرید،نگه داری و انتفاع از غلامی، به معیوب بودن غلام پی می برد.از این رو بعد از اختلاف بین خریدار و فروشنده، شکایت را نزد پیامبر اکرم (ص)عرضه کردند.با استرداد غلام، فروشنده عوض منافعی را که خریدار مدت ها از آن منتفع شده درخواست نمود تا آنگاه خریدار، معامله را به خیار عیب فسخ کند.خریدار نیز نمی خواست چیزی بابت منافع استیفاء شده از غلام به فروشنده بدهد و تمام بهایی را که به فروشنده پرداخته بود،مطالبه می کرد. در این هنگام پیامبر اکرم(ص)،با دفاع از خریدار فرمود:"الخراج بالضمان"؛[1] یعنی پذیرش ریسک تلف شدن غلام بعد از قبض و تحویل گرفتن خریدار، از دارایی خریدار حساب می شود؛ پس به مقتضای عدالت، بایستی منافع استیفاء شده غلام هم، از آن او باشد.

وجه استدلال حدیث مذکور چنین است که مشتری مستحق درآمد برده ای می باشد که خریداری نموده است ؛ چراکه در فرض هلاکت برده ،ضمان به عهده مشتری است. در واقع این حدیث مقرر می دارد که مالک مال، ضامن آن است ؛یعنی ریسک افزایش یا نقصان مال به عهده مالک یا ریسک کننده خواهد بود؛ همان گونه که برخی فقیهان در این خصوص به تلازم منافع وخسارات استناد نموده اند: « من علیه غرمه فله غنمه».(المبارکفوری،بی تا: ۴/ ۲۳۴)

به هر حال قاعده مزبور ، یکی از مهم ترین رو بناهای ایجابی است که ارزش افزوده، سود،فایده و درآمد را در قبال و به سببِ پذیرش مخاطره قرار می دهد.لذا با توجه به اهمیت قاعده ،تشریح مفاهیم و مفاد تصدیقی آن ضروری به نظر می رسد.

---

۱. مفاد قاعده یاد شده از برخی از احادیث خاصه نیز، ، قابل استنباط است؛ مانند روایت ذیل:
"سالت اباعبدالله انی کنت بعت رجلاً نخلاً کذا و کذا نخله بکذا و کذا درهماً و النخل فیه ثمر،فانطلق الذی اشتراه منی فباعه من رجل آخر بربح و لم یکن نقدنی و لا قبضت .قال :فقال:لا باس بذلک الیس کان قد ضمن لک الثمن؟قلت:نعم،قال:فالربح له."(حر عاملی،۱۴۰۳ق: ۱۸/ ۱۹)
ابراهیم کرخی می گوید:" از امام صادق علیه السلام پرسیدم: من تعدادی درخت خرما را به قیمت معیّنی (هر نخل به دراهم معیّنی) به فردی فروختم. فردی که درختان را از من خریده بود، آن ها را به دیگری با سود فروخت؛ در حالی که پول درختان خرما را نقد نکرده بود و من آن را نگرفته بودم. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: اشکالی ندارد؛ آیا پرداخت قیمت درختان خرما را برای تو تضمین نکرده بود؟ گفتم :بله، فرمود: پس سود، از آن او است."
برخی فقیهان معاصر امامیه با استناد به ظاهر روایت گفته اند:"امام، ثبوت سود برای شخص را متفرّع بر پذیرش ریسک و مخاطره بهای درخت خرما از سوی شخص، برای صاحب آن قرار داده است؛ زیرا امام با عبارت" قد ضمن لک الثمن "پذیرش ریسک را ملاک، برای استحقاق سود و بازده قرار داده و ایشان نفرمودند به جهت اینکه ، شخص، مالک درخت خرما است،مستحق سود است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق: ۲۲۱/۲)

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۱-٦. الخراج

مدلولات شرعی در خصوص مفهوم خراج ،بر تعابیر مختلفی اشاره داشته اند: « محصول زمین» (السیوطی:۱۹۳۰م: ۷/ ۲۵۵)، درآمد و منفعت (الشوکانی، ۱۳۴۷: ۵/ ۱۸۱)، «نتاج»؛ یعنی آنچه که از ملک حاصل می شود، مانند عین حیوان و مولود آن، و نیز به معنای عین، منفعت و محصولی که از شیء خارج می شود، مانند ثمره درخت، که خراج درخت است؛ یا بچه حیوان که خراج حیوان است.(الزمخشری، ۱۹۴۵ م: ۳۶۵/۱) برخی از محققین معاصرنیز در تبیین مفهوم خراج گفته اند: خراج، عبارت است از هر منفعت منفصله ای که به هر شیوه ی شرعی از عین مملوک خارج شود یا هر چیزی که صفت شرعی برای عین مملوکی واقع شود.(معابده، ۱۹۹۸ م: ۹ به بعد). از تعریف مزبور منافع متصله مانند چاق شدن حیوان و نیز ید غاصب و سارق –که وصف غصب و سرقت، اوصاف شرعی برای ملکیت نیستند–خارج می شود.

به نظر می رسد آنچه ماهیت خراج را تبیین می کند و تناسب بهتر و شایسته تری با قاعده "الخراج بالضمان" ، دارد، عبارت است از: سود ، ارزش افزوده ، و درآمدی که از شیء خارج می شود.

۲-۱-٦. باالضمان

۱. باء

در کتاب نهایه، کلمه" باء" در قاعده "الخراج بالضمان" از نوع سببیه دانسته شده است، یعنی ضمان(ریسک)، سبب خراج(درآمد) است. (ابن اثیر،۱۳۷۶: ۹/۲) شوکانی نیز می گوید: «باء» در حدیث یاد شده، از نوع «باء سببیه» می باشد، از این روهرگاه شخصی زمین، حیوان یا برده ای را خریداری نماید، منافع این کار به وی تعلق خواهد گرفت.(الشوکانی، ۱۹۷۳ م: ۵/ ۳۲۶) برخی نیز گفته اند: باء از نوع مقابله و مضاف، محذوف است. لذا معنای حدیث در اصل چنین است: خراج در مقابل ضمان قرار دارد. (تقابل خراج و ضمان) یعنی منافع مبیع ، بعد از قبض در مقابل ضمان مشتری، به وی تعلق می گیرد و از این قبیل است:« الغنم بالغرم». (السندی،بی تا: ۲۵۵/۷)

ظاهراً،اختیار مفهوم سببیت یا مقابله برای کلمه باء، زیانی به مدلول کلی قاعده وارد نمی سازد؛ زیرا مطابق قاعده،درآمد،نماء ،ومنفعت یک کالا ،خواه به سبب پذیرش ریسک ویا در مقابل تحمل ریسکی باشد که شخص نسبت به کالا بر عهده می گیرد،در هر حال، مشروعیت دارد.

۲. الضمان

ضمان ،در کتاب های لغت ،در معانی التزام ،اشتمال،کفالت و پذیرش ریسک آمده است.(ابن منظور،۱۴۱۶ق: ۸/ ۸۹–۹۰؛ فراهیدی،۱۴۰۵ق: ۵۱/۷) هرگاه "ضمنت المال" به صورت ثلاثی گفته شود، بدان معنی است که گوینده، ضامن (پذیرنده ریسک) مال شده و آن را بر عهده

www.SID.ir

Archive of SID

گرفته است.(فیومی،۱۴۰۵ق: ۳۶۷) پس پذیرش ریسک و مخاطره در عهده، ضمان نامیده شده است.

در اصطلاح شرعی نیز برای ضمان، معانی متعددی ذکر شده است:در منابع فقهی امامیه ، مفهوم پذیرش ریسک ومخاطره در عهده با عنوان"ضمان " معرفی شده است.تعاریفی که فقیهان اسلامی ،بر اساس عرف ولغت، در خصوص نهاد فقهی ضمان و در موارد متعددی ارائه داده اند، بر خلاف مفهوم "پذیرش ریسک ومخاطره درعهده"نمی باشد. (انصاری،۱۴۲۵ق:۱۸۰/۳؛ شهیدی تبریزی،۱۴۰۷ق:۲۰۷؛کاشف الغطا،۱۳۵۹:۸۶) .طبق قول شیخ انصاری:"ضامن کسی است که مسوولیت تلف مال را به عهده بگیرد."(انصاری،همان) پس ضامن، یعنی مسوول تلف وبه بیان عرف اقتصادی رایج، کسی است که ریسک را پذیرفته است.(پذیرنده ریسک)

به نظر می رسد، مفهومی که با تحقیق حاضر تناسب شایسته تری دارد، عبارت است از : تحمل هزینه (خسارت) عین و مسوولیت نسبت به عین مال در فرض تلف یا معیوب شدن یا کاهش قیمت آن؛ و این مفهوم در جایی تحقق پیدا می کند که تلف عمل، تحت یدمالک آن صورت پذیرد. اما معنایی که جامع این مفهوم و معانی سابق باشد عبارت است از:«تحمل مسولیت». وجه افتراق این مفهوم و معانی دیگر نیز، مطالبه ی تعویض و عدم مطالبه آن است.

بنابر این، مفهوم کلی و جامع واژه ی "ضمان"در قلمرو فقه معاملات و به ویژه معاملات مبتنی بر ریسک تجاری، تنها ناظر بر حکم وجوب پرداخت خسارت یا استرداد عین مال نیست؛ بلکه به مفهوم حکم وضعی "پذیرش ریسک مال در عهده" نیز اشاره دارد.پس ظاهراً اطلاق مفاهیم مسوولیت،التزام و تعهد بر واژه ضمان از سوی نویسندگان حقوقی ،با مفهوم ضمان، انطباق دقیق ندارد و بر اساس آنچه گفتیم مفهوم دقیق ضمان در حقیقت ناظر بر نوعی مسوولیت ،تعهد و التزام خاص است که عبارت است از "پذیرش ریسک در عهده."

۳-۱-٦. مفاد تصدیقی قاعده «الخراج بالضمان»

مطابق قاعده، خراج حاصل از شیء(یعنی محصول منفصل آن) مانند کسب عبد، سکونت خانه، و اجرت در برابر ضمان است، یعنی تمام نتایج(منافع) یاد شده در مقابل ضمان است؛ همان گونه که پیامبر(ص) از«ربح ما لم یضمن» یعنی منفعت بری از دارایی ای که ریسک آن پذیرش نشده، نهی فرموده است.(الزرقاء،بی تا:۳۶۱)

برخی با استناد به قاعده ی مزبور در مساله رجوع مشتری به بایع، به واسطه خیار عیب، مشتری را به اجرت مبیع در ایامی که از عین خریداری شده، استفاده کرده است، ملزم نمی دانند.(الندوی،۲۰۰۰م:۱۸۶/۱) اکثریت فقیهان اسلامی بر این باورند که تلازمی شرعی برای استحقاق خراج در برابر ضمان وجود دارند و حالتی را فرض کرده اند که در آن حالت، ملک از

www.SID.ir

Archive of SID

ضمان، منفصل است و آن فرض در مساله مبیع قبل ازقبض تحقق می یابد؛ جایی که زیادت منفصله ای (غیر از تولد) در آن به وجود بیاید و بعد به خاطر عیب، مبیع را رد کند.(السرخسی ،۱۴۰۶ق:۱۰۴/۱۳ الکاسانی،۱۹۸۲م:۲۸۴/۵)

از این رو، قاعده، علاوه بر تفسیر بیع "آنچه که قبض نشده" ، ناظر بر تعلیل نهی از «ربح ما لم یضمن» نیزمی باشد.پس فحوای قاعده، متضمن آن است که استحقاق سود یا محصول (بازده) صرفاً در صورت دخول عین در ضمان صورت می گیرد و این امر نیز تحقق نمی یابد؛ مگر با قبض شرعی توسط انتقال دهنده ی ضمان. فقیهان این تلازم را نیز در مسائل متعددی اعمال کرده اند: مثلاً در شرکت ها، به طور عموم، قائل به تلازم بین خسارت و میزان سرمایه هستند.

بنابر این در سببیت استحقاق خراج برای ثبوت ضمان،تردیدی باقی نمی ماند؛ پس مقترض به دلیل ثبوت ضمانش برای قرض ،مستحق خراج حاصل از مال است ، بر خلاف مقرض که به دلیل عدم تحمل مخاطره، مستحق خراج نیست. به تعبیر روشن تر ، از آنجا که خطر هلاک یا نقص که به سبب تغییر بازار یا اختلاف قیمت به وجود می آید ، اجمالاً ملازم طبیعی اموال است. شریعت، منافع (خراج) را برای کسی قرار داده که در هنگام فقدان اصل یا نقصان قیمت، خسارت را تحمل می کندو متقابلاً، خسارت و ضمان اصل مال از بین رفته، نیز بر کسی وارد می شود که از منافع و سود بهره مند می گردد.

بر این اساس می توان گفت، مجرد ضمان مال–طبق راه شرعی– به واسطه آمادگی تحمل خطرات هلاک یا نقصان و نیز خطرات تغییر بازار، واجد قیمتی مالی است که همان سود مورد انتظاراست و با کاهش نسبت ریسک،سود مورد انتظار کاهش می یابد. در مقابل، هر کسی که از سود یا محصول اصل مالی، منتفع گردد، ملزم است که خطرات آن مال را نیز تحمل کند.

۲-٦. قاعده تلازم بین نماء و درک

این قاعده که مبین تلازم بین منافع و خسارات است، به عنوان یکی دیگر از روبناهای بحث، در کشف مشروعیت درآمدزایی «ریسک و مخاطره» قابل بهره برداری است. به موجب قاعده، مالک منافع ،ضامن(پذیرنده ریسک)خسارت است و هر کس که ضامن(پذیرنده ریسک)خسارت باشد، مالک منافع است.برخی فقیهان آن را مستفاد از نص و استقراء دانسته اند(انصاری،۱۴۲۵ق : ۵/ ۲۳۸) و برخی دیگر گفته اند:"ظاهر از روایات آن است که خراج به ازای ضمان بوده و هر کس ضامن شیئی شود، منافع برای او است ولیکن عکس قاعده استفاده نمی شود."(خمینی،۱۳۸۸: ۴/ ۶۱۸) ملازمه ی مزبور را از برخی روایات، نیز می توان به دست آورد:

"عن اسحاق بن عمار قال حدثنی من سمع ابا عبدالله (ع) و ساله رجل و انا عنده فقال:رجل مسلم احتاج الی بیع داره فجاء الی اخیه فقال ابیعک داری هذه و تکون لک احب الی

www.SID.ir

Archive of SID

من ان تکون لغیرک علی ان تشترط لی انا جئتک بثمنها الی سنه ان ترد علی فقال لا باس بهذا ان جاء بثمنها الی سنه ردها علیه قلت فانها کانت فیها غله کثیره فاخذ الغله لمن تکون الغله فقال الغله للمشتری الا تری انه لو احترقت لکانت من ماله."(حر عاملی۱۴۰۳ق: ۱۸/ ۱۹)

اسحاق بن عمار با واسطه روایت کرده است:شخصی از امام صادق(ع) سوال کرد:فردی که مجبور به فروش خانه اش شده، نزد برادرش می رود و می گوید:تمایل دارم خانه ام را به شما بفروشم؛ مشروط بر اینکه اگر تا مدت یک سال پول آن را آوردم ،خانه را به من بازگردانی.امام فرمود:مانعی ندارد؛اگر ظرف یک سال ثمن را آورد ،مشتری، خانه را به او باز می گرداند.گفتم :مشتری، از آن خانه،منفعت زیادی برده، آن منفعت متعلق به کیست؟امام فرمود:متعلق به مشتری است، آیا نمی بینی که اگر خانه سوخته بود، از مال وی بود؟

تعلیل امام در ذیل روایت ، بر این معنا ظهور دارد که پذیرش ریسک ،مجوز حکم انتساب محصول به مشتری است و این امر در ازای منفعت صورت می گیرد. قدر مسلم عقلایی نیز آن است که مقتضای اختصاص منافع برای یک شخص آن است که خسارت یا پذیرش « ریسک و مخاطره» آن شیء نیز به عهده وی باشد(همان) پس بی تردید ، قاعده از امور مرتکزه نزد عقلاء است.

۳-٦. قاعده" من علیه الغرم فله الغنم"

در لغت،غرم به مفهوم: آنچه که اداء و پرداخت آن لازم است ،آمده است .مراد از غنم نیز دست یابی به چیزی اعم از مال و غیر آن است. (فیروزآبادی، ۱۹۸۶م: ۱۴۷۵؛الزرقاء،۱۹۶۴م :۲/ ۱۰۲۹) پس مفاد اجمالی قاعده دلالت دارد که هر کس زیان و خطر دارایی را به عهده گرفته است، از منفعت دارایی هم بهر ه مند می شود. از این رو قاعده مزبور،که تلازم بین خراج و ضمان را برقرار می کند، در واقع ، برگردان "قاعده الخراج بالضمان" است.

اما استناد به" من له الغنم "در میان فقیهان عامه، بسیار محدودتر از فقیهان امامیه است.با این وجود، حنفی ها،از قاعده ای مشابه با همین مضمون ولی با عنوان"الغرم بالغنم"استفاده نموده اند.[۱] (الجابر الهاجری،۱۴۲۹ق، ۲۰۳/۱)برخی نیز قاعده "من له الغنم" را در معنای اعم "تلازم بین نما و درک اموال"معنا نموده اند.به عبارت دیگر اگرچه قاعده به حسب لفظ به معنای تبعیت غرم از غنم است و لکن در واقع از مصادیق قاعده کلی تری است که در آن، بین منافع و نمائات اموال از یک طرف و خسارات و نقصان وارد به اموال، از طرف دیگر ملازمه برقرار است.

گاهی قاعده "ملازمه بین نماء و درک "و قاعده "من له الغنم "مستفاد از نبوی "الخراج

۱ "....و اما قاعده الغرم بالغنم فهی و ان کانت بعکس لفظ القاعده السابقه[الخراج بالضمان] الا انها بمعناها."

www.SID.ir

Archive of SID

بالضمان" دانسته شده است و بعضی از نوشته ها نیز معنای واحدی را برای این دو قاعده ذکر کرده اند.(الزحیلی،۱۴۲۹ق: ۲۱۵)

در معتبره اسحاق بن عمار آمده است:

"عن اسحاق بن عمار قال:قلت لابی ابراهیم(ع):الرجل یرهن الغلام و الدار فتصیبه الآفه علی من یکون قال علی مولاه ثم قال ارایت لو قتل قتیلاً علی من یکون قلت هو فی عنق العبد قال (ع) الا تری فلم یذهب مال هذا ثم قال ارایت لو کان ثمنه مائه دینار فزاد و بلغ ماتی دینار لمن کان یکون قلت لمولاه قال و کذلک یکون علیه ما یکون له."(حر عاملی،۱۴۰۳ق: ۱۸/ ۳۸۷)

اسحاق بن عمار می گوید به امام(ع) عرض کردم: شخصی غلام و خانه خود را رهن می گذارد. آن گاه غلام یا خانه دچار خسارت می شود.این خسارت بر عهده چه کسی است؟حضرت فرمودند:بر عهده مالک آن است.سپس فرمودند : اگر غلام شخصی را بکشد ، بر عهده چه کسی است؟عرض کردم بر عهده غلام.(یعنی بر عهده مرتهن نیست و وقتی بر عهده غلام بود، بالتبع بر عهده مالک خواهد بود.) حضرت فرمود:آیا نمی بینی دارایی این مرتهن نرفته است؟سپس حضرت فرمود: در صورت افزایش قیمت غلام به صد دینار و اندی به دویست دینار ، زیادت برای کدام شخص خواهد بود؟راوی می گوید: از آن مالک آن است.حضرت فرمود:همان گونه که خسارت بر عهده وی می باشد، نفع نیز به او بر می گردد.

از ظاهر روایت بر می آید که قاعده، ناظر بر تلازم بین خسارت و منافع است؛ بدین معنا که هر کس شرعاً از منافع دارایی برخوردار باشد، خسارت وتلف دارایی نیز بر وی تحمیل می گردد.روشن است که اطلاق قاعده ی مزبور جمیع معاملات صحیح (و نه فاسد) تجاری را در برمی گیرد .پس به موجب این قاعده همان طور که پیامد مثبت(سود) ریسک تجاری متعلق به تاجر است،زیان محتمل نیز، بر وی وارد می شود.

لذا تاجری که بر اساس پیش بینی خود از افزایش قیمت یک نوع کالا در بازار، با خرید و نگهداری کالای مزبور در حال، به صورت عمده و فروش آن ها با قیمتی بالاتر در آینده به تجار جزء ،در صدد کسب سود است ،تجارتش مشمول قاعده مذکور است.بدین ترتیب، اگر فرضاً این تاجر، جنسی را به ۱۰۰۰تومان خریده و بعد به ۱۲۵۰ تومان فروخت،سود (غنم)حاصل، از آن اوست؛ همان گونه که اگر پیش بینی وی مطابق با واقعیت بازار نبود،و ناچار شود جنس را به زیر قیمت خرید خود،یعنی کمتر از ۱۰۰۰تومان در فرض مذکور، بفروشدو به جای سود مورد انتظار، زیان نماید،این زیان نیز بر وی تحمیل خواهد گردید.

٤-٦. قاعده عدم استحقاق ربح ما لم یضمن

این قاعده متشکل از دو کلی سلبی و ایجابی است که در این نوشتار،از کلی سلبی"نهی از

www.SID.ir

Archive of SID

ربح ما لم یضمن"به "اصل قاعده"و از کلی ایجابی با تعبیر"عکس قاعده"یاد می کنیم. «ربح » بـه قرینـه سـیاق در فقراتـی کـه در حـدیث ذکـر شـده ، اشـعار برسـود تجـاری دارد. (همـان ص۲۲۲).پس مفاد اصل قاعده دلالت بر نهی از سود آن سرمایه ای است که صاحب آن،ریسکش را نپذیرفته است.با این وصف،مفهوم عکس قاعده نیز روشن می گردد.

"موثقه محمد بن قیس عن ابی جعفر(ع)قال منع امیرالمومنین(ع) الثلاثه تکـون صـفقتهم واحده–یقول احدهم لصاحبه اشتر هذا من صاحبه –و انا ازیدک نظره یجعلون صفقتهم واحـده– قال فلا یعطیه الا مثل ورقه الذی نقد نظره–قال و من وجب له البیع قبل ان یلزم صـاحبه فلیبـع بعد ما شاء."(حرعاملی،۱۴۰۳ق: ۳۸/۱۸)

در موثقه محمد بـن قـیس بـه نقـل از امـام بـاقر(ع) چنـین روایـت شـده است:حضـرت امیرالمومنین(ع) از انعقاد یک معامله توسط سه شـخص منـع فرمـوده انـد. بـدین صـورت کـه شخصی به دیگری گوید:این دارایی را از شخص ثالث بخر و من به طور مدت دار با بهایی اضافه بر ثمن پرداختی ،آن را از تو می خرم. پس هر سه فرد، مبادرت به انعقاد یک معامله نمـوده انـد. حضرت فرمود:شخص اول بیش از بهایی که نقداً پرداخته با مهلـت بـه شـخص دوم نپـردازد و شخص دوم که معامله اش لازم و تمام است، پیش از آنکه برای شخص سوم معامله را تمام کند ،می تواند آن را به هر مقدار که بخواهد بفروشد."

این روایت ناظر بر قاعده ی" نهی از ربح ما لم یضمن" است؛ زیرا در فرض مزبور،خریـدار نسیه ، ریسک وجه دارایی را پذیرفته است؛ بنابر این استرباح به دارایی دیگران است؛بدون اینکـه ریسک آن پذیرفته شده باشد؛ چون اگر دارایی مورد بحث، قبل از خریـداری تلـف شـود، از مـال فروشنده است و اگر بعد از خریداری تلف شود یا قیمتش کاهش یابد، بدل آن دارایی یا وجـه آن به عهده خریدار نسیه است؛ زیرا فرض بر واحد بـودن معاملـه (صفقه)است.(هاشـمی شـاهرودی، ۱۴۲۳ق: ۲۲۸/۲)

در منابع معتبر عامه نیز آمده است: «نهی رسول ا.. عن سلف و بیـع، و شـرطین فـی بیـع، وربح ما لم یضمن» (الترمذی،۱۹۹۹م:۲۱۹)

در شرح حدیث مذکور گفته اند:مقصود از «ربح ما لم یضمن»، سود حاصل از بیع نسبت به مبیع خریداری شده، قبل از قبض است. در شرح السنه نیز در خصوص معنای آن گفته شده: سود در هر چیزی ،صرفاً برای شخصی حلال اسـت کـه خسـارات آن شـیء نیـز بـر همـان شـخص باشد.(المبارکفوری،بی تا، ۴/ ۳۶۱)

بنابراین، می توان گفت منطوق قاعده دال بـر "ممنوعیـت هرگونـه سـود و ارزش اضـافی بدون پذیرش ریسک" و نهی از «ربح مالم یضمن»، نیز ناظر بر منـع سـود بـا انتفـای مخـاطره است. لذا بین قبض وضمان تلازم وجود داشته و اثر مهم قبض شرعی، انتقال ضمان مبیع از بایع

www.SID.ir

Archive of SID

به مشتری و انتقال ضمان ثمن از مشتری به بایع است. این مساله اختصاص به بیـع نداشـته ودر قرض نیز ، ضمان قرض از مقرض به مقترض .منتقل می شود.

۵-٦. قاعده تلازم بین ضمان و منافع

این قاعده از جمله قواعدی است که در بررسی عقود مبتنی بـر ریسـک و ابزارهـای مـالی نوین، باید بدان توجه نمود.دلالت این قاعده و بیان حدود و ثغور آن، راهنمایی مناسب به منظـور استنباط احکام معاملات بوده و اهتمام بـدان بـه خصـوص بـرای متخصصـین و کسـانی کـه در طراحی معاملات ریسکی و ابزارهای مالی نوین در بازارهای مالی فعالیـت مـی نماینـد، ضـروری است.

مدلول قاعده"ان ضمان الشیء و درکه بازاء منافعه"،نـاظر بـر پـذیرش ریسـک و خسـارت شیء، در ازای منافع بوده و از این رو هر کس که منافع دارایی به او بـاز مـی گـردد، خسـارت و درک آن دارایی نیز به عهده او است.

عن معاویه بن میسره قال سمعت ابا الجارود یسال ابا عبدالله (ع) عن رجل باع داراً لـه مـن رجل و کان بینه و بین الرجل الذی اشتری منه الدار حاصر،فشرط انک ان اتیتنی بمـالی مـا بـین ثلاث سنین فالدار دارک فاتاه بماله قال له شرطه قال له ابو الجارود فان ذلک الرجـل قـد اصـاب فی ذلک المال. فی ثلاث سنین قال هو ماله و قال ابو عبدالله(ع) اریت لو ان الـدار احترقـت مـن مال من کانت تکون الدار دار المشتری.(همان،ص۲۰)

معاویه بن میسره می گوید:شنیدم که ابوالجارود از امام صادق (ع) در مـورد شخصـی مـی پرسید که خانه اش را به دیگری فروخت ؛با این شرط که اگر تا سه سال ثمن معاملـه را آوردی، خانه متعلق به تو است و بایع در این فاصله ثمـن را پرداخـت کـرد. امـام(ع) فرمـود: شـرط وی برایش(محفوظ) است.ابوالجارود گفت:خریدار به مدت سه سال در آن مال تصرف نموده است.امام (ع) فرمود:آن تصرف متعلق به اوست؛ مگر نه این است که اگر خانه، آتـش مـی گرفـت از مـال خریدار خانه بود؟"

ظاهر روایت دلالت دارد بر اینکه امام ثبوت تصرف در خانه برای مشتری را که خود نـوعی منفعت است، متفرع بر فرض پذیرش ریسک خانه از سوی خریدار قرار داده است؛ زیرا تعلیـل آن حضرت چنین بوده اسـت:"ارایـت لـو ان الـدار احترقـت مـن مـال مـن کانـت تکـون الـدار دار المشتری"پس از اینجا روشن می شود که امام پذیرش ریسک را در برابر منفعت قرار داده است.

در مجموع ،قواعد عام یاد شده،که ظاهراً وحدت مفهومی نیزدارند،مبین روابط اساسـی بـین ریسک و درآمد هستند؛ بدین معنا که ازمقارنـه ی ایـن قواعـد و گـزاره هـای فقهـی دیگـر ،دو اصل"درآمد زا بودن ریسک"و "هم سو بودن ریسک بـا درآمـد" را مـی تـوان از قواعـد مزبـور، استخراج کرد.

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه گیری

از منظر فقه اقتصادی ، اسباب تحصیل سود، منحصر در مال ، کار و ضمان(ریسک)، بوده و بر این اساس، می توان به تبیین اثرمخاطره در استحقاق سود و ارتباط بین سود و مخاطره پرداخت.از سوی دیگر، وجه افتراق مهم بین ریسک مباح و ریسک حرام،استناد اولی به سرمایه یا کار است؛ اما ریسک منهی نظیر غرر ، به هیچ یک از سرمایه یا کار اتکا نداشته؛ بلکه متکی بر شانس محض است.بر این اساس، مهم ترین نتایج تحقیق حاضر را در موارد ذیل می توان خلاصه نمود:

– خاستگاه غرر،جهالت یاریسک در ارکان قرارداد بوده و نتیجه ی آن ناظر بر "برد–باخت"یا افزایش ناعادلانه ی دارایی یکی به زیان دیگری است.اما سود یا زیان حاصل از ریسک تجاری، ناشی از تغییرات اقتصادی موثر در عرضه و تقاضا(و نه ارکان قرارداد) می باشد.بدیهی است در مواردی که معاملات تجاری، متاثر از فضای عدم شفافیت بازار، با ابهام در ارکان قرارداد(مثل نامشخص بودن قیمت واقعی یک کالا) ، مواجه باشد،ریسک از حالت طبیعی و متعارف خارج شده و معنون به غرر می گردد.

– به طور کلی، قواعد فقهی "الخراج بالضمان" ، "من له الغنم فعلیه الغرم"،"تلازم بین ضمان و منافع"،" عدم استحقاق ربح ما لم یضمن" بنیان نظریه ریسک در اقتصاد اسلامی را تشکیل می دهند.مستفاد از قواعد فقهی مذکور، آن است که سود حاصل از دارایی ذاتاً با میزان مسوولیت پذیری(ریسک پذیری)در برابر زیان احتمالی آن دارایی، مرتبط است.به عبارت دیگر،بین ریسک و درآمد حاصل از آن، رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد؛ بدین معنا که ریسک بیشتر متضمن سود بیشتر و پیامد ریسک کمتر،کاهش سود است.

– دو اصل مهم"درآمد زا بودن ریسک"و "هم سو بودن ریسک با درآمد" که مستخرج از قواعد عام درآمدزایی مخاطره هستند،با اصل ممنوعیت غرر در عقود تخصیص می خورند.بدین معنا که مقتضای قاعده نفی غرر،منع تحصیل درآمد با توسل به ریسک منهی است.به عبارت دیگر،توجیه اصول مذکور با ریسک تصنعی و غرری ممکن نبوده و صرفاً ریسکی می تواند منبع درآمد مشروع قرار گیرد که طبیعی ، متعارف و عقلایی باشد.

– روایی اخلاقی ریسک، تابع عقلانی بودن آن بوده و شاخصه های عقلانیت اخلاقی ریسک عبارت اند از : آگاهی، عدالت و انصاف ؛بر این اساس، ریسک های اجباری به دلیل عدم آگاهی شخص نسبت به آن ها ،و نیز ریسک های جبران ناپذیر یا جبران نشده، به دلیل فقدان عناصر عدالت و انصاف، روا نیستند. علاوه بر این ،شکل گیری نظام اجتماعی بر بنیان ریسک متقابل بوده و به تعبیر بزرگان اخلاق، انسان ها در نظام اجتماعی بر اساس فطرت، مصالح خود را با یکدیگر به تبادل می گذارند.پس تحمیل و تحمل ریسک تجاری را بر مبنای داد و ستد منافع متقابل نیز می توان توجیه نمود. نتیجه اینکه از منظر اخلاقی، ریسکی روا است که آگاهانه، عادلانه و مبتنی بر مصالح فردی و اجتماعی باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. پینکافس،ادموند(۱۳۸۲)،اخلاق مساله محور،سید حمید رضا حسنی،ارغنون،ش ۱۹،صص ۲۴۹-۲۶۰
۲. فرانکنا،ویلیام کی (۱۳۷۵)،فلسفه اخلاق،هادی صادقی،قم:طه.
۳. جوادی،محسن(۱۳۷۵)،مساله باید وهست،قم:دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. حسن زاده، محمد(۱۳۸۰)، مبانی معرفت دینی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۵. راعی ،رضا وسعیدی،علی(۱۳۸۳).مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک،تهران:انتشارات سمت.
۶. کاتوزیان،ناصر(۱۳۷۱)،حقوق مدنی(قواعد عمومی قراردادها)،ج۲،چ۳،تهران:شرکت سهامی انتشارات.
۷. گنسلر،هری(۱۳۹۰) درآمدی بر فلسفه اخلاق؛ترجمه مهدی اخوان،تهران،علمی و فرهنگی،چاپ اول.
۸. طباطبایی، محمد حسین(۱۳۷۴)،ترجمه تفسیر المیزان،مترجم: محمد باقر موسوی همدانی ج ۲،قم،دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه
۹. مطهری، مرتضی(۱۳۸۴)، مجموعه آثار،ج ۱۹،۲۰،،۲،۲۱،تهران،انتشارات صدرا.

ب) عربی

۱۰. ابن الاثیر،مجد الدین ابو السعادت محمد الجزری(۱۳۷۶).النهایه فی غریب الحدیث و الاثر،ج ۳،چ ۴ ،قم:موسسه اسماعیلیان.
۱۱. ابن رشد، محمد بن احمد القرطبی(۱۹۵۲م). بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، مصر: مطبعه الاستقامه.
۱۲.-ابن قیم الجوزیه، ابو عبدالله محمد بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)،زاد المعاد فی هدی خیر العباد،ج ۵،بیروت:موسسه الرساله.
۱۳. ابن ماجه قزوینی(بی تا)،ابی عبدالله محمد بن یزید،سنن ابن ماجه،چ ۲،بیروت،دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)،لسان العرب،ج ۵،قم:نشر ادب الحوزه.
۱۵. انصاری،مرتضی(۱۴۲۵ق)،کتاب المکاسب،ج ۳،۴،۵،۶،چ ۶،قم:مجمع الفکر الاسلامی.
۱۶. البعلی، بدر الدین الحنبلی(۱۹۸۶م)،مختصر(الفتاوی المصریه لابن تیمیه)،تحقیق:محمد الفقی،الدمام:دار ابن القیم.
۱۷. الترمذی،ابو عیسی محمد بن عیسی(۱۹۹۹م)، جامع الترمذی، الریاض:بیت الافکار الدولیه.
۱۸. الجابر الهاجری،حمد بن محمد(۱۴۲۹ق)،القواعدوالضوابط الفقهیه فی الضمان المالی،ج ۱،چ

www.SID.ir

Archive of SID

۱،الریاض:دارالکنوز.

۱۹. حاکم نیشابوری،ابی عبدالله محمد بن عبدالله(۱۴۱۱ق)،المستدرک علی الصحیحین،تحقیق مصطفی عبد القادر عطا،بیروت:دارالکتب العلمیه.

۲۰. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۸،چ ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۱. خمینی،سید روح الله الموسوی(۱۳۸۸).کتاب البیع،ج ۳ ،۴و۵،چ۳،تهران:موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲۲. خویی،سید ابوالقاسم الموسوی(۱۴۱۲ق).مصباح الفقاهه فی المعاملات،ج ۵،بیروت:دار الهادی.

۲۳. الزحیلی، وهبهٔ(۲۰۰۲م)، العقود المسماه فی قانون المعاملات المدنی الاماراتی و الاردنی، دمشق: دار الفکر.

۲۴. الزرقاء، مصطفی(۱۹۶۴م). المدخل الفقهی العام، دمشق: مطبعه الحیاه.

۲۵.الزمخشری، جار الله محمود(۱۹۴۵م). الفائق فی غریب الحدیث، القاهرهٔ: دار احیاء الکتب.

۲۶. السرخسی،شمس الدین محمد بن ابی سهیل(۱۴۰۶ق)،المبسوط،بیروت:دارالمعرفه.

۲۷. السندی،نورالدین محمد بن عبد الهادی(۱۹۸۶م)،حاشیه السندی،تحقیق:عبدالفتاح ابو غده،حلب:مکتبه المطبوعات الاسلامیه.

۲۸. السیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر(۱۹۳۰م)، شرح سنن النسائی، بیروت: دارالفکر.

۲۹. الشوکانی، محمد بن علی(۱۴۰۵ق) کتاب السیل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار، تحقیق: محمود زاید، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۳۰. شهیدی تبریزی،میرزا فتاح (۱۴۰۷ق)،هدایه الطالب الی اسرار المکاتب،قم:مکتبه المرعشی النجفی.

۳۱.صدر، سید محمد باقر(۱۴۱۷ق)، اقتصادنا،چ۱،خراسان :مکتب الاعلام الاسلامی.

۳۲. طوسی،ابو جعفر محمد بن حسن(۱۳۸۷ ق).المبسوط فی فقه الامامیه ،ج ۲،چ ۳،تهران:المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۳۳. فراهیدی،خلیل بن احمد (۱۴۰۵ ق).العین ،ج ۴و ۷،قم :موسسه دار الهجره.

۳۴. الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب(۱۹۸۶م)، القاموس المحیط، بیروت: موسسه الرساله .

۳۵. فیومی،احمد بن محمد(۱۴۰۵ق)،مصباح المنیر،قم :دارالهجره.

۳۶. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد(۱۹۹۵م)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۷. عاملی،محمد بن مکی(شهید اول)(۱۴۱۷ق)،الدروس،ج ۲و۳،قم:اسلامی.

۳۸. عاملی،زید بن علی(شهید ثانی)(۱۴۱۶ق)،تمهید القواعد،قم:دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۹. الکاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود(۱۹۸۲م) بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الکتاب العربی.

www.SID.ir

Archive of SID

۴۰. کاشف الغطاء،محمد حسین (۱۳۵۹ ق).تحریر المجله،ج ۱،نجف:المکتبه المرتضویه.

۴۱. طوسی،ابو جعفر محمد بن حسن(۱۳۸۷ ق).المبسوط فی فقه الامامیه ،ج ۲،چ ۳ ،تهران:المکتبه المرتضویه لاحیا الآثار الجعفریه.

۴۲. المبارکفوری،محمد عبد الرحمن(بی تا). تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ.

۴۳. معابده، محمد نوح(۱۹۹۸م) ، قاعده الخراج بالضمان و تطبیقاتها فی الفقه الاسلامی،رساله دکترا، الجامعه الاردنیه.

۴۴. نجفی،شیخ محمد حسن (۱۹۸۱ م)،جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ،ج ۲۲،۲۳،۲۴،۲۷،چ۷،بیروت:دار احیا التراث العربی.

۴۵. نوری طبرسی،حسین(۱۴۰۸ق)،مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،بیروت:موسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۴۶. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۴۲۳ق)، قرائات فقهیه معاصره، قم:مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.

ج) لاتین

47. AL-GAMAL, M; "An Economic Explication of the prohibition of Gharar in classical Islamic Jurisprudence"; international conference on Islamic Economic, 2000.

48. AI-saati, Abdul-Rahim; "The permissible Gharar (risk) in Classical Jurisprudence"; Islamic Economy, vol 16, No2, 2003.

49. Asvel, L. and S. Roeser (2009). The ethice of technological risk, Earthscan/James

50. Bentham,Jeremy,2000,An Introduction to the Principles of Morals and Legislation,Kitcheners,Batches Book.

51. Hornboy,A,S, & wehmeier,Sally,2005,Oxford Advanced Learner's Dictionary,New York:Oxford University Press,7th Edition.

52. Hillerbrand, R. S., P. Roeser, S.Peterson, M.,Ed.(2011). Handbook of risk theory: epistemology, decision thery, ethics and social implications of risk. .

53.Timmons,M,J.Greco,and A.R.Mele(2007),Rationality and epistemology of Robert Audi Oxford University Press,U S A.

www.SID.ir